پیشخوان

«نقش رسانه‌های مجازی در فتنه سال ۱۳۸۸» در آینه یک پژوهش

دروغ، تحریف، شلتاق و سپس آشوب

■ **شاهد توحیدی**

اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، همانگونه که از نام آن پیداست، «نقش رسانه‌های مجازی در فتنه سال ۱۳۸۸» را بازکاویده است. به شهادت اسناد، این رسانه‌ها در کلیدخوردن و تداوم فتنه یادشده تأثیری مهم داشتند و تحلیل آن، برای فهم بهینه این بخش از تاریخچه نظام اسلامی ضروری می‌نماید. این پژوهش توسط دکتر علی‌اکبر رزمجو و علی عنایتی‌شبکلایی انجام شده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی، به انتشار آن همت گمارده است. تارنمای ناشر در تحلیلی، این کتاب را به ترتیب پی آمده معرفی کرده است:

«کتاب نقش رسانه‌های مجازی در فتنه سال ۱۳۸۸ که از سوی مؤسسه فرهنگی- هنری مرکز اسناد انقلاب اسلامی چاپ و منتشر شده است، می‌کوشد با خوانشی متفاوت و نو، نقش رسانه‌های مجازی را در تحولات پس از انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری، واکاوی و تبیین کند. در مقدمه، هدفِ این کتاب اینگونه بیان شده است: بررسی ویژگی‌ها، قابلیت‌ها و محدودیت‌های رسانه‌های مجازی به ویژه در ایران و تبیین و تحلیل کارکردها و پیامدهای آن در عرصه اجتماعی با رویکرد جامعه‌شناختی، با تمرکز و تأکید بر نقش رسانه‌های مجازی در فتنه سال ۱۳۸۸ و عملکرد گروه‌های سیاسی و شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی، هدف این کتاب است. کتاب حاضر می‌کوشد به این سؤالات پاسخ دهد که ماهیت، کارکرد و پیامدهای رسانه‌های مجازی کدامند؟ آیا رسانه‌های مجازی، جایگزین رسانه‌های سنتی (روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون) خواهند شد؟ این

۱۳۸۸. نمایی از اغتشاش در خیابان‌های تهران

رسانه‌ها چه تأثیری در مشارکت سیاسی دارند؟ آیا تأثیر آنها در همه جا و در همه موارد، مشابه یا متفاوت است؟ رسانه‌های مجازی در انتخابات سال ۱۳۸۸ و به ویژه تحولات پس از آن، چه نقشی داشتند؟ چه زمینه و عواملی، موجب افزایش و گسترش نقش‌آفرینی این رسانه‌ها شد؟ نقش رسانه‌های مجازی در فتنه سال ۱۳۸۸ در ۹ فصل فراهم آمده است. فصول اول و دوم، به کلیات و چارچوب مفهومی و مبانی نظری اختصاص دارد. فصل سوم به بررسی نقش رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی در مشارکت و تبلیغات سیاسی می‌پردازد. فرصت‌ها و آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی برای جنبش‌های اجتماعی از جمله مهم‌ترین مباحث این فصل است. در فصل چهارم تأثیر رسانه‌های جدید بر رفتار سیاسی کاربران در ایران بررسی شده و ضمن واکاوی ابعاد مفهومی و نظری تعامل میان اینترنت و رفتار سیاسی کاربران در ایران، الگوهای کنش ارتباطی در فضای مجازی نیز مورد تبیین قرار گرفته است. بررسی اثرات رسانه‌های مجازی و ریشه‌ها و پیامدهای سیاسی‌شدن شبکه‌های اجتماعی در ایران نیز از جمله مباحث دیگر این فصل است. فصل پنجم به بررسی زمینه‌های داخلی و خارجی شکل‌گیری فتنه ۸۸ می‌پردازد و فصل بعد، تقابل رسانه‌ها در دهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری را مورد واکاوی قرار می‌دهد. در این فصل ۱۳ مورد از تکنیک‌های تبلیغاتی رسانه‌های مخالف مورد بررسی قرار می‌گیرد. فصل هفتم، رسانه‌های مجازی فعال در جریان فتنه ۸۸ را معرفی می‌کند و فصل هشتم با عنوان رسانه‌های مجازی و قطبی‌شدن گفتمانی سیاست و جامعه می‌کوشد نقش شبکه‌های اجتماعی و اینترنت را در فرایند تشدید قطبی‌شدن جامعه بررسی کند. فصل نهم و پایانی هم که عنوان آن رسانه‌های مجازی و کنش‌های ستیزگرانه است، به بررسی نقش رسانه‌های اجتماعی در بحران‌های پس از انتخابات و ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی برای اعتراض‌های مربوط می‌پردازد و مباحث کتاب با یک نتیجه‌گیری ۱۵ صفحه‌ای به پایان می‌رسد...».

۱۳۲۰. نیروهای امریکایی در میدان توپخانه تهران

تأثیر جنگ دوم جهانی بر صحنه سیاسی ایران با تأکید بر حوادث شهریور ۱۳۲۰

میهمانان ناخوانده‌ای که با خود بی‌ثباتی، قحطی و تیفوس آوردند

■ **دکتر محمدجواد گودینی***

روزهایی که بر ما می‌گذرد، تداعی‌گر رویداد تلخ اشغال ایران به دست انگلیس، روس و امریکاست. هم از این روی بازخوانی زمینه‌ها و پیامدهای این واقعه برای کشورمان بهنگام می‌نماید. مقال پی آمده، با این هدف به نگارش در آمده است. امید آنکه تاریخ‌پژوهان معاصر و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■■■

■ **آغاز ماجرا**

جنگ دوم جهانی، رویدادی مهم، ویرانگر و اثرگذار در نیمه نخست سده بیستم میلادی به شمار می‌رود که بر رخدادهای جهان بلکه سرنوشت بشری، روابط بین‌الملل و دولت‌های جهانی، تأثیری شگرف بر جای نهاد. آغاز این رخداد به سپتامبر سال ۱۹۳۹ میلادی (۱۳۱۸ خورشیدی) بازمی‌گردد؛ زمانی که دستور هجوم به لهستان از سوی «آدولف هیتلر» صادر و با این شروع، فصل نوینی در نظم جهانی آغاز شد که بر حوادث آتی در سطح بین‌الملل (و از جمله تحولات ایران) نیز اثرگذار بود و به تغییرات گسترده‌ای در بخش سیاسی، اقتصادی و حتی فرهنگی کشورمان منجر شد. در سال ۱۹۳۳ حزب نازی با رهبری هیتلر، زمام امور را در کشور آلمان به دست گرفت و همزمان با این رویداد، ایتالیا نیز به رهبری موسولینی و با رویکردی فاشیستی، نفوذ خود را در مناطقی از اروپا و آسیا توسعه بخشید. روابط میان آلمان و ایتالیا در آن دوره وسعت یافت و پس از گذشت تقریباً ۲۰ سال از پایان جنگ اول جهانی، اروپای آن زمان آماده جنگ گسترده و دامنه‌دار دیگری در سطح جهانی شد. در این هنگام، دو دیکتاتور اروپایی (هیتلر و موسولینی) با یکدیگر متحد شدند و در ادامه امپراطوری ژاپن نیز- که بلندپروازی‌هایش در اقیانوس آرام، نگرانی ایالات‌متحده‌امریکا را برانگیخته بود- وارد صحنه شد و در ادامه نبرد، به جبهه متحدین پیوست. در طرف دیگر نیز فرانسه و بریتانیا با یکدیگر متحد شدند و با ورود نیروهای آلمانی به خاک اتحادیه جماهیر شوروی به سال ۱۹۴۱، شوروی نیز به ناچار به بریتانیا و فرانسه پیوست و جبهه متفقین تشکیل شد و صف‌آرایی جهانی میان قدرت‌های برتر آن روزگار، یعنی آلمان، ایتالیا و امپراطوری ژاپن از یک سو (با نام متحدین) و بریتانیا، فرانسه، شوروی و ایالات‌متحده‌امریکا از سوی دیگر (با نام متفقین) در برابر یکدیگر صف‌آرایی کردند و جنگی بزرگ را رقم زدند. (الحرب العالمیه الثانیه، صص ۱۰-۸).

■ **کشیده شدن دامنه نبرد قدرت‌ها به خاورمیانه**

در طول جنگ دوم جهانی (از سال ۱۹۳۹ تا سال ۱۹۴۵ میلادی)، به ویژه با گسترده شدن دامنه نبرد و کشیده شدن آن به مناطق دیگر جهان از جمله شبه‌قاره‌هند، خاورمیانه و حتی شرق آسیا، ایران که از موقعیت جغرافیایی استراتژیک و ویژه‌ای در پیوند میان خاور و باختر برخوردار بود، ناخواسته به این جنگ کشانده شد و با وجود اعلان بی‌طرفی از سوی دولت وقت ایران، این بی‌طرفی از سوی متفقین نقض شد. موضوع دیگری که اهمیت ایران را در رویدادهای نبرد جنگ دوم جهانی دوچندان کرد، حمله ژاپن (به عنوان یکی از اعضای متحدین) به اندونزی و اهمیت یافتنِ نفت ایران در روند جنگ بود و در پی این رویداد، بریتانیا و شوروی تمامیت ارضی ایران را نادیده گرفتند و نیروهای شوروی از شمال و بریتانیا از جنوب، وارد خاک ایران شدند و رضاشاه را که در مواردی از حزب نازی جانبداری کرده بود، به واگذاری سلطنت به سود پسرش محمدرضا و خروج از کشور وادار کردند. (من الشاه الی نجاد، ایران الی أین، ص ۳۱). رضاشاه تحت مراقبت، کشور را به مقصد آفریقای‌جنوبی ترک کرد و با خشم بسیار دنیا را ترک گفت. عدم‌درک رضاشاه از حوادث جهانی (به ویژه تحولات سریع جنگ دوم جهانی) از عوامل مهم سرنگونی وی و خروج اجباری‌اش از کشور ارزیابی می‌شود. محمدرضا به عنوان میراث‌دار پدر و شاه جدید ایران، به تاریخ ۲۶ شهریور سال ۱۳۲۰ مراسم تحلیف سلطنت خویش را در مجلس شورای ملی به جای آورد و در شرایطی دشوار، سلطنت خود را آغاز کرد. نبرد بر سر تسلط بر منابع نفتی ایران و بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی ممتاز این کشور، چیزی نبود که دو طرف متخاصم در جنگ از آن بگذرند. نفت ایران برای بریتانیا آنچنان دارای اهمیت بود که «وینستون چرچیل» نخست‌وزیر وقت این کشور در اظهاراتی چنین گفت: چاه‌های نفت ایران، نخستین عنصر بااهمیت در جنگ را تشکیل می‌دهد. (پیامدهای اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰، ص ۱۵)

رضاخان؛ در واپسین سالیان سلطنت

> **در پی جانبداری پهلوی اول از متحدین و نادیده‌گرفتن هشدارهای متفقین، نیروهای گروه دوم از شمال و جنوب وارد جغرافیای ایران شدند و طی مدتی کوتاه خود را به تهران رساندند و شاه ایران را که به نظر می‌رسید بسیار غافلگیر شده بود و انتظار چنین برخوردی از سوی آنان نداشت، وادار به واگذاری سلطنت به پسرش محمدرضا و ترک ایران برای همیشه کردند و به آفریقای‌جنوبی و در ادامه به جزیره موریس تبعید نمودند. این رویداد همچنین، نخست‌وزیری فروغی را باعث شد**

■ **چرایی اهمیت خاورمیانه برای بریتانیا**

بریتانیا (حتی پیش از جنگ دوم جهانی) به اهمیت منطقه خاورمیانه پی برده بود و در کشورهای این منطقه که پس از فروپاشی امپراطوری عثمانی به دولت‌های کوچک و نوظهوری تبدیل شده بودند، برنامه‌ریزی‌های استراتژیک و نظامی برای حفاظت از منافعش را در دستور کار قرار داده بود؛ کشورهایی همچون ایران، عراق و فلسطین. در واقع بریتانیا با هوشمندی اوضاع در این منطقه را رصد می‌کرد و بسیاری از کشورهای عربی این منطقه به دلیل سیاست‌های مقامات بریتانیا در هجرت دادن یهودیان به سرزمین فلسطین (پیش از جنگ دوم جهانی) و نیز اشغالگری این کشور در مناطقی همچون مصر، نارضایتی شدیدی از بریتانیا و سیاست‌های این کشور داشتند، از این رو با ورود بریتانیا به جنگ دوم جهانی، برخی سرزمین‌های عربی به جانبداری از متحدین و آلمان نازی روی آوردند. آنچه در جریان جنگ بین‌الملل دوم بسیار به بریتانیا کمک کرد، دستگاه اطلاعاتی و امنیتی قدرتمند این کشور بود که قدیمی‌ترین دستگاه جمع‌آوری اطلاعات و جاسوسی در جهان محسوب می‌شد و تاریخ تأسیس آن به سال ۱۹۰۹ بازمی‌گردد و با نام MI6 مشهور است. مسئولیت اصلی آن، حفاظت از امنیت امپراطوری و خاندان سلطنتی بریتانیا و یکپارچگی آن بوده و عامل مهمی در پیروزی متفقین در جریان نبرد دوم جهانی ارزیابی می‌شود. می‌توان دستگاه اطلاعاتی بریتانیا را بخش پنهانی سیاستِ داخلی و خارجی این کشور توصیف کرد که بر بسیاری از حوادث و سیاست‌های این کشور در ابعاد گوناگون اثرگذار است. (مرکز استخبارات الشرق الاوسط و دوره أثناء الحرب العالمیه الثانیه، ص ۱۱۵). جنگ دوم جهانی، تنها یک رقابت و نزاع برای دستیابی به قدرتِ بیشتر میان طرف‌های متخاصم (متفقین و متحدین) نبود، بلکه میدانی برای استفاده جدیدترین سلاح‌ها و ابزارهای جنگی و نظامی بود که تا آن زمان مورد استفاده قرار می‌گرفت و ایضاً به‌کارگیری رسانه و جنگ رسانه‌ای و به ویژه جنگ اطلاعاتی و جمع‌آوری اطلاعات و به‌کارگیری آن نیز بود و پیکاری گسترده و چندبُعدی و نبردی تمام‌عیار محسوب می‌شد. پیروز این میدان نیز جبهه متفقین بودند و توانستند با تحمل سختی‌ها و شکست‌های پی‌درپی، سرانجام طعم شکست را بر نظامیان آلمانی بچشانند و روند این جنگ را به سود خود تغییر دهند و به پایان برند.

■ **اخراج شاه، بازشدن نسبی فضای سیاسی و ورود امریکا به ایران**

ورود متفقین به تهران و تغییر اجباری شاه کشور، از مهم‌ترین پیامدها و دستاوردهای سیاسی جنگ دوم جهانی در سرزمین ایران به شمار می‌رود که در شهریور سال ۱۳۲۰ رقم خورد. در پی این تغییر در عالی‌ترین سطح سیاسی کشور و تغییر شاه ایران، محمدعلی فروغی نیز به نخست‌وزیری دست یافت و مأمور تشکیل کابینه شد و به جای احمدمتین دفتری (نخست‌وزیر سابق که در حمایت از آلمانی‌ها شهره بوده است)، به جایگاه نخست‌وزیری ایران دست یافت. با تغییر شاه ایران و دستیابی پهلوی دوم به سلطنت، فضای سیاسی کشور تا حد زیادی باز شد، احزاب سیاسی تشکیل شدند و مطبوعات نیز جان دوباره‌ای یافتند و فضای دیگری (هر چند برای مدتی کوتاه) در فضای سیاسی و مطبوعاتی کشور

> **از پیامدهای جنگ جهانی دوم ورود ایالات‌متحده‌امریکا به صحنه سیاسی ایران است. امریکا که در جریان جنگ دوم جهانی، حمایت از متفقین در برابر آلمان نازی را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داده بود، با پایان این جنگ و به‌کارگیری سلاح اتمی در دو شهر ژاپن، از حالت انزوا خارج و به بازیگری مهم در سطح بین‌الملل تبدیل شد و از جمله توانست در ایرانِ عصر پهلوی دوم، برای خود پایگاهی یابد و در تحولات سیاسی ایران، به شکلی گسترده تأثیرگذار باشد**

ایران حاکم شد. رخداد دیگری که می‌توان آن را نیز از پیامدهای اشغال ایران در اثنای جنگ دوم جهانی و تأثیر این نبرد خانمان‌سوز بر فضای سیاسی کشور توصیف کرد، ورود ایالات‌متحده‌امریکا به صحنه سیاسی ایران است. امریکا که در جریان جنگ دوم جهانی، حمایت از متفقین در برابر آلمان نازی را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داده بود، با پایان این جنگ و به‌کارگیری سلاح اتمی در دو شهر ژاپن (که از سیاه‌ترین و غیرانسانی‌ترین صحنه‌های جنگ دوم جهانی بلکه تاریخ بشریت به شمار می‌رود و لکه ننگی بر پیشانی کشور استفاده‌کننده از این سلاح به شمار می‌رود)، از حالت انزوا خارج و به بازیگری مهم در سطح بین‌الملل تبدیل شد و از جمله توانست در ایرانِ عصر پهلوی دوم (به عنوان کشوری مهم و برخوردار از منابع سرشار نفت در خاور میانه) برای خود پایگاهی یابد و در تحولات سیاسی ایران تأثیرگذار باشد. حضور امریکا در ایران به دلیل ضعف بریتانیا که ناشی از خسارت‌های فراوان این کشور در عرصه جنگ دوم جهانی بود، کم‌کم پررنگ و در ادامه ایالات‌متحده به مهم‌ترین قدرت تأثیرگذار در سیاست‌های ایران عصر پهلوی تبدیل شد.

■ **«مسئولان بی‌اراده» بلای جان ایران در دوره اشغال**

اشغال ایران از سوی نیروهای متفقین- که رویدادی تلخ در تاریخ معاصر ایران شمرده می‌شود- از پیامدهای تلخ و سهمگین جنگ دوم جهانی و ضعف دولت مرکزی ایران در آن زمان محسوب می‌شود که به برکناری قهرآمیز شاه ایران و موافقت متفقین برای جانشینی فرزندش محمدرضا منجر شد. شاهِ بی‌تاج و تخت نیز به شکلی باورنکردنی و با فشار نیروهای بریتانیا، مجبور شد کاخ سعدآباد را ترک گفته و با همراهی افسران بریتانیایی به جنوب کشور برود و از آنجا با کشتی سلطنتی بریتانیا، راهی آفریقای‌جنوبی شود. در پی اشغال ایران توسط متفقین، ایران سرزمین روزهای سختی را تجربه کرد و آنچه سختی این دوران را بیشتر می‌کرد، مدیران و مسئولان بی‌اراده‌ای بودند که در تصمیم‌گیری برای تعیین سرنوشت کشورشان عاجز بودند. می‌توان گفت تغییر پی‌درپی کابینه‌های ایران در آن بُرهه از تاریخ معاصر ایران که از پیامدهای جنگ دوم جهانی برای این کشور بوده، نشانه‌ای از اوضاع نابسامان دربار و عدم‌استقلال شاهِ جوان در تصمیم‌گیری‌های سرنوشت‌ساز و نیز قدرت و جسارت بیگانگان (به ویژه بریتانی) در تحمیل دیدگاه‌ها و دیکته‌ساختن سیاست‌ها و برنامه‌های خود به دولتِ تازه به قدرت رسیده بوده است.

■ **آغاز قحطی پررنج ایرانیان**

در کنار تبعات سیاسی و نادیده انگاشتن استقلال و تمامیت ارضی ایران از سوی اشغالگران، از منظر اقتصادی نیز جنگ دوم جهانی و در پی آن حضور متفقین در ایران، تبعات بسیار منفی و نابودکننده‌ای را منجر شد و روزهای سخت و پررنجی را بر مردم این سرزمین چشاند؛ روزهایی که با کمبود کالا، تورم افسار گسیخته، قحطی و نبود مواد غذایی و در مواردی احتکار کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم همراه بوده است. در سال ۱۳۲۱ (نخستین سال سلطنت محمدرضا پهلوی)، بحران اقتصادی گریبانگیر دولت و مردم ایران بود و بی‌ثباتی و دخالت بیگانگان در امور سیاسی و اقتصادی داخلی، بحران غلات، کمبود گندم و گرانی نابودکننده مواد غذایی را در پی داشت، از این رو سهمیه‌ای که در اختیار نانوایی‌ها قرار می‌گرفت، ناچیز، اندک و نامرغوب بود و از منظر بهداشتی نیز غذاهای مناسب و باکیفیتی عرضه نمی‌شد. در این روزگار پرچالش و تنش‌زا، نانوایی‌های کشور در شهرهای بزرگی همچون تهران و تبریز هنگام پخت نان، انبوهی از جمعیت و شلوغی چشمگیر و خیره‌کننده‌ای را شاهد بوده است، مردم گرسنه و بینوایی که به تمنای رسیدن به قرصی نانِ بی‌کیفیت برای خود و خانواده‌های‌شان ناگزیر بودند ساعت‌های بسیاری را جلوی نانوایی‌ها سپری و با دیگران دعوا کنند و حتی برای رسیدن به خواسته‌شان، از خشونت بهره می‌گرفتند و گاهی نان را از دست دیگران می‌ربودند! فزونی جمعیت و شلوغی بسیار در برابر نانوایی‌ها در آن هفته‌ها و ماه‌های سهمگین و پرچالش، چهره‌ای تأسفبار از اوضاع اقتصادی آن زمانه را منعکس می‌کند و گواهی است بر زشتی چهره جنگ و پیامدهای منفی و مخرب آن برای مردمی که فرسنگ‌ها از اروپا فاصله دارد و نقشی در جنگ‌افروزی جاه‌طلبان اروپایی نداشتند، اما آثار منفی آن گریبان‌شان را می‌فشرد. در همان زمان کالاهای مورد نیاز دیگری همچون برنج، سیب‌زمینی، حبوبات و حتی خرما نیز در بازار سیاه توسط سوداگران به بالاترین قیمت معامله می‌شد. قحطی و رنج ناشی از گرسنگی و بی‌کفایتی مسئولان دولتی در مهار گرانی و رساندن مواد غذایی باکیفیت به دست شهروندان، تنها مشکلات آن زمان نبود و در کنار این بحران اقتصادی- که گریبان بخش قابل توجهی از مردم آن زمان را می‌فشرد- وضعیت بهداشتی مردم نیز نابسامان و برهم ریخته بود و به این دلیل، انواع بیماری‌ها در میان توده‌های مردم و شهرهای گوناگون شیوع یافته بود، به ویژه بیماری تیفوس که بخش قابل توجهی از مردمِ رنج‌کشیده ایران را در کام خود فرو برد و این مَسئله دردآور، رنج و آسیب‌پذیری مردم را در آن هنگام دوچندان کرد.

دیگر پیامد اقتصادی و اجتماعی اشغال ایران از سوی نیروهای متفقین، رواج بیکاری و توقف کارهای عمرانی و صنعتی بود که در پی آن، بسیاری از ایرانیان شغل خود را از دست دادند و این مشکل نیز بر مشکلات و رنج مردم می‌افزود. کارگران و کشاورزان بی‌شماری گرفتار سختی معیشتی و حتی فقر و محرومیت شدند و از یافتن شغلی که از مشکلات اقتصادی‌شان بکاهد، ناتوان بودند. آنان که در آن زمان سوادی داشتند، می‌کوشیدند در بخش‌های دولتی برای خود شغلی فراهم کنند، اما پس از اندک زمانی تعداد نیروی انسانی سازمان‌ها و بخش‌های دولتی افزایش چشمگیری یافت، از این رو بودجه مختصر کشور نیز صرف پرداخت حقوق کارمندان و نیروهای دولتی می‌شد و دولت وقت، با کسری بودجه مواجه می‌شد. بدین سان بسیاری از روستاهای کشور با شرایطی ناگوار دست‌وپنجه نرم می‌کردند و امنیت شغلی و آرامش روانی مردم دچار آسیب شده بود و مسئولان دولتی نیز که در آن شرایط از نیروهای متفقین (به ویژه بریتانیایی‌ها) نگرانی و هراس بسیاری داشتند و می‌ترسیدند به سرنوشت شاه سابق پهلوی دچار شوند و مورد قهر متفقین قرار گیرند، به جای پرداختن به حل معضلات و مشکلات اقتصادی و اجتماعی کشور، تقویت تولید و حمایت از کشاورزی و طرح‌های عمرانی و صنعتی، تنها در پی خشنودی سفارت‌های کشورهای بیگانه در ایران به ویژه بریتانیایی‌ها بودند و در حقیقت سیاست‌ها و برنامه‌های متفقین را به اجرا درمی‌آوردند و خواسته‌شان در کسب رضایت از سوی دولت‌های متفقین و اجرای دستورها و سیاست‌های دیکته‌شده آنان خلاصه می‌شد.

■ **کلام آخر**

خلاصه آنکه جنگ دوم جهانی که نتیجه صف‌آرایی دولت‌های اروپایی برای تسویه‌حساب‌های شخصی و نژادی و جاه‌طلبی مقامات اروپایی برای کسب قدرت بیشتر بود، پیامدهای آن از مرزهای قاره سبز فراتر رفت و بسیاری از کشورهای آسیایی از جمله ایران را نیز درگیر کرد و منشأ تحولات عمیق و ژرفی در آینده سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این کشور شد. در پی جانبداری خاندان سلطنتی ایران (پهلوی اول) از متحدین و نادیده‌گرفتن هشدارهای متفقین، نیروهای متفقین از شمال و جنوب وارد جغرافیای ایران شدند و طی مدتی کوتاه خود را به تهران رساندند و شاه ایران را که به نظر می‌رسید بسیار غافلگیر شده بود و انتظار چنین برخوردی از سوی آنان نداشت، وادار به واگذاری سلطنت به پسرش محمدرضا و ترک ایران برای همیشه کردند و به آفریقای‌جنوبی و در ادامه به جزیره موریس تبعید نمودند. با رفتن رضا شاه از ایران، فصل نوینی در سلطنت پهلوی آغاز شد و در سال‌های نخست حکومت پهلوی دوم، سایه جنگ دوم جهانی و دخالت‌های متفقین به ویژه بریتانیا در امور داخلی کشور بر تحولات این سرزمین سایه افکنده بود و آنچه عملاً دیده می‌شد، قدرت و توان متفقین در کشور، استفاده آنان از نفت و غلات ایران برای بهره‌گیری در جنگ دوم جهانی، ناتوانی مقامات ایرانی در بهبود شرایط سیاسی و اقتصادی و مهار گرانی و تهیه غلات مورد نیاز مردم و دیگر مشکلات و بحران‌های ناشی از جنگ دوم جهانی و اشغال ایران بوده که صفحات تلخی را در تاریخ معاصر ایران پدید آورده است.

* **نویسنده، مترجم و استاد دانشگاه**

فهرست منابع:

۱- *آدامز، سایمون، الحرب العالمیه الثانیه، ترجمه به عربی: مروه رشاد عبدالستار، شرکه نهضه مصر للطباعه*
۲- *اسماعیل، محمد صادق، من الشاه الی نجاد، ایران الی أین؟، البصره، العربی للنشر*
۳- *جلال پور، حسن، محمدی، امیر، پیامدهای اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ (مقاله)، نشریه پژوهش‌های تاریخ ۱۳۹۹*
۴- *عبدالحلیم الشیخ، ساره محمود، مرکز استخبارات الشرق الاوسط و دوره أثناء الحرب العالمیه الثانیه، کلیه البنات، جامعه عین شمس*